



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال هفتم / شماره بیست و ششم / زمستان ۱۴۰۴

doi: 10.22034/icrs.2025.524435.1337

نقش حکومت‌های قراقویونلو و مشعشعیان در ارتقای جایگاه علمای شیعه

(۱۱۳۵-۷۸۰ ه.ق)

سید داریوش رحیمی^۱ / محسن رنجبر^۲

چکیده

دو حکومت در قرون میانه تاریخ ایران، رویکرد سیاسی و اجتماعی خود را با مذهب تشیع دوازده امامی درآمیختند؛ ترکمانان قراقویونلو در شرق آناتولی، آذربایجان و قفقاز به قدرت رسیدند و مشعشعیان در خوزستان و عراق عرب حکومت راندند. حاکمان این دو سلسله برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود در مذهب تشیع اثنی عشری، توان خود را در ارتقای جایگاه علمی، مذهبی و سیاسی عالمان دوران خود گذاشتند. مسئله اصلی مقاله آن است که «امیران و سلاطین این دو حکومت چگونه و با چه ابزارهایی موفق به ارتقای سطح علمای امامیه در دوره حکومتگری خود شدند؟». روشی که این پژوهش برای پاسخ به پرسش اصلی به کار گرفته است، روش توصیفی-تحلیلی بوده و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حمایت‌های این دو سلسله نقش موثری در ارتقای سطح عالمان تشیع امامی به ویژه در نواحی جنوب غربی ایران و عراق عرب داشته و این موضوع زمینه‌های توسعه جایگاه اجتماعی، علمی، سیاسی و مذهبی عالمان امامیه را در دوره صفویان مهیا نمود. همچنین دوره حکومت اسپند میرزا از حاکمان محلی بغداد به دلیل حضور ابن فهد حلّی و تأسیس حوزه علمیه حلّه و نیز طرح مباحث علمی میان علمای برجسته شیعه، منجر به ارتقای جایگاه آنها شد. در دوره سید محسن و سید مطلب مشعشعی نیز جایگاه علمای شیعه از نظر سیاسی، فرهنگی و مذهبی نسبت به دوره‌های قبل و بعد حکومت آل مشعشع، دچار تغییرات محسوسی شد.

واژه‌های کلیدی: قراقویونلو، مشعشعیان، خوزستان، عراق عرب، تشیع دوازده امامی، عالمان شیعه.

۱. مربی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

rahimidarouosh@pnu.ac.ir

ranjbar@iki.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ نوع مقاله: پژوهشی (۷۵-۵۸)

مقدمه

پس از هجوم مغولان و با سقوط خلافت عباسی در سال ۶۵۶ هـ. ق تا برآمدن دولت صفوی در ابتدای قرن دهم هجری بسیاری از ساختارهای سیاسی ماهیت و شکل خود را از دست دادند. از سویی دیگر، مذهب رسمی مناطق تحت سیطره خلافت، دچار بحران عمیقی شد؛ به گونه‌ای که در تقابل با مذهب تسنن، به تدریج تشیع و نحله‌های تصوف مجال رشد یافتند و از نفوذ اجتماعی، سیاسی و علمی گسترده‌ای بهره‌مند شدند. در قرن هشتم و نهم هجری مذهب تشیع دوازده امامی در قسمت‌هایی از ایران و عراق عرب رو به گسترش نهاد؛ به گونه‌ای که در قالب دو حکومت قراقویونلو و آل مشعشع نمایان شد. اما مسئله‌ای که این مقاله به آن پرداخته است، نحوه حمایت از علمای شیعی و چگونگی ارتقای جایگاه سیاسی، علمی و مذهبی آنان به عنوان نماینده مذهب تشیع از سوی حکمرانان این دو سلسله بوده است. این پژوهش بنا دارد به سوالات ذیل پاسخ دهد:

- بسترسازی حکومت قراقویونلو در ارتقای جایگاه سیاسی، مذهبی و علمی عالمان شیعه چگونه رقم خورد؟

- دولتمردان آل مشعشع با چه ابزارهایی به ارتقای سیاسی، مذهبی و علمی علمای تشیع یاری رساندند؟

محققانی معاصر در پژوهش‌های خود به حکومت‌های قراقویونلو و مشعشعیان پرداخته‌اند، اما هیچ‌کدام به مسئله مورد نظر در این مقاله توجه نداشته و بر آن متمرکز نشده‌اند. جعفریان در کتاب مهدیان دروغین (۱۴۰۰) به تحولات مذهب تشیع در نقاط مختلف ایران پرداخته و وقایع اجتماعی و سیاسی آن را در قالب مکاتب و نحله‌های فکری رخ داده از مذهب تشیع بررسی کرده است. او حول محور جغرافیای شیعه، اشاره‌های کوتاهی به حکومت قراقویونلو داشته و به دلیل اعتبار مشعشعیان در تشیع، مطالب بیشتری به این دوره اختصاص داده است. تمرکز اصلی مولف، معطوف به جنبش‌های اجتماعی و بافت جمعیتی تشیع در ایران می‌باشد. از طرفی او به جریان مهدی‌های دروغین در قرون مختلف از جمله سید محمد فلاح بنیان‌گذار دولت مشعشعی پرداخته است. احمدی مقدم و مهدوی فرد (۱۴۰۰) در مقاله «رویکرد دولت مشعشعیان در توسعه علوم دینی و آموزشی» وضعیت فرهنگی، تمدنی سرزمین خوزستان را در زمان مشعشعیان مورد بررسی قرار داده و بیان کرده است که این حکومت با

ترویج اسلام، تشیع و ایدئولوژی خود، زمینه‌ساز تغییراتی مهم در حیطه فرهنگی خوزستان شد. موضوعی که کاملاً با مسئله اصلی این پژوهش متفاوت است. شاهمرادی و منتظرالقائم (۱۳۹۲) در مقاله «تشیع قراقیونلوها (۷۸۰-۸۷۲ ه. ق.)» درصدد اثبات شیعه بودن این حکومت و تعیین نوع تشیع آن‌ها بوده‌اند. ضمن بازگویی ملاک‌ها و معیارهای شیعه بودن و تطبیق آن‌ها بر قراقیونلوها، به بررسی اوضاع مذهبی ایران در دوران پس از مغولان می‌پردازند. نویسندگان این اثر، نقش ترکمانان را در افزایش سطح و جایگاه علمی، مذهبی و سیاسی عالمان شیعه نادیده گرفته‌اند. در مقاله‌ای با عنوان «مشروعیت سیاسی در رویکردهای مذهبی حکومت ترکمانان قراقیونلو و آق قویونلو» احمدی و جوزانی (۱۳۹۰) تلاش کرده‌اند اهتمام دو سلسله مذکور به بهره‌گیری از شرایط مذهبی موجود را برای کسب مشروعیت و حفظ و تداوم منافع اقتصادی و سیاسی حاصل از آن، مورد نقد و بررسی قرار دهند. رنجبر (۱۳۸۲) در کتاب مشعشعیان: ماهیت فکری- اجتماعی و فرآیند تحولات تاریخی به دقت و با جزئیات جوانب مختلف حکومت آل مشعشع را مورد سنجش قرار داده است و نقش آفرینی آنها را در جوانب مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بحث کند. رویکرد کتاب متکی بر تأثیرگذاری سیاسی آل مشعشع با توجه به جغرافیای خوزستان است و از این جهت کمتر به علمای آن دوره اشاره کرده است. کسروی (۱۳۱۲) در تاریخ پانصد ساله خوزستان نوشته اگرچه نگاهی جامع به خاندان‌های آل کعب و مشعشعیان دارد، اما توجه به ارتقای عالمان شیعه در دورنمای سیاست حکومت‌های خوزستان و عراق عرب از نگاه کسروی مغفول مانده است. نویسندگان این پژوهش به دنبال آن بودند که ارتباط میان شرایط مذهبی قرن نهم هجری را با رویکردهای مذهبی ترکمانان حکومتگر شناسایی کنند. با طرح مفاهیم کتاب‌ها و مقالات تالیف شده در این زمینه، می‌توان به اشاره‌های اندک یا بی‌ارتباط از لحاظ موضوعی و گستردگی مفهومی نسبت به پژوهش حاضر پی برد.

۱. حکمرانی اسکندریبگ و بسترسازی برای عالمان شیعه

اگرچه حکمرانی قراقیونلو در اواخر قرن ۸ هجری با تلاش‌های بیرام خواجه و برادرزاده‌اش قرامحمد به ثمر نشست؛ اما مؤسس واقعی این حکومت، قرایوسف (۸۲۳-۸۱۰ ق) بوده است. کسی که با شکست سلطان احمد جلایری بر دیاربکر و عراق عرب مسلط شد و از مغرب تا حلب پیش راند.

مهم‌ترین چالش حکومت قرایوسف، جنگ و گریزهایش با تیمور بوده است. او دو بار موفق به فتح تبریز شد، اما در هر مرحله، به دلیل رسیدن سپاهیان تیمور مجبور به عقب نشینی می‌شد. (حافظ ابرو، ۱۳۱۷: ۲۴۷-۲۴۸) در پی اقدام تیمور برای نابودی قراقویونلو، قرایوسف به همراه سلطان احمد جلایری ابتدا به ایلدرم بایزید عثمانی و سپس به دولت ممالیک مصر پناه برد. با وصول خبر مرگ تیمور به دربار الملک الفرج، قرایوسف و سلطان احمد جلایری که در زندان فرمانروای مصر به سر می‌بردند از زندان آزاد شدند. (روملو، ۱۳۷۰، ج ۱: ۳۲) دوره دوم حکمرانی قرایوسف با تسلط کامل بر آذربایجان و بغداد در پی کشته شدن سلطان احمد جلایری رقم خورد. قرایوسف پس از یک دوره طولانی تفوق سیاسی و نظامی در مناطق غرب و جنوب غرب ایران در راه نبرد با شاهرخ تیموری به سال ۸۲۳ هـ.ق درگذشت. (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۱۵-۲۱۴)

به نظر می‌رسد گرایش به مذهب تشیع اثنی‌اعشری در حکومت قراقویونلو از زمان قرایوسف شکل گرفته است. او به داشتن تمایلات شیعی معروف بود و نفوذ تشیع امامیه در زمان حکومت قرایوسف منجر به عدم اطاعت مردم تبریز و ساوه از شاهرخ تیموری و پیروی از قراقویونلو در قالب سیاسی تجلی یافت (طهرانی، ۱۳۵۶: ۳۸۳)؛ تا جایی که شاهرخ تیموری سعی کرد آثار نفوذ فکری و عقیدتی قرایوسف ترکمان را از ساوه بزاید. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۷۵۵) ریل‌گذاری قرایوسف برای گسترش تشیع امامیه منجر به تسهیل امور شیعیان در دوره قرا اسکندر (۸۴۱-۸۲۳ ق) پسر و جانشین او شد. شعارهای شیعی بر نقوش انگشترهای دو تن از دختران اسکندربیگ قراقویونلو - آرایش بیگم و اوراق سلطان - حک شده است. (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۷۰ و ۵۸۲) حکمران قراقویونلو برای نامگذاری پسران خود از اسامی امام اول و دوم شیعیان استفاده کرده و وجود نام‌هایی به نام «یارعلی»، «پیرعلی»، «حسن علی» یا «شکرعلی» در نزد شاهزادگان این سلسله، نمود واقعی شیعه بودن اسکندربیگ را نشان می‌دهد. (باسورث، ۱۳۸۱: ۵۲۳) بنابراین فراهم کردن بسترهای لازم برای آزادی نسبی شیعیان نواحی تحت امر اسکندر و برادرانش منجر به جوانه زدن اندیشه‌های شیعی و رشد و بالندگی علمای این مذهب شد. شاید مهمترین خدمت اسکندربیگ در تقابل با عالمان امامیه، فراهم کردن و بسترسازی سیاسی - علمی جامعه برای پذیرش تشیع بوده است. دین و دولت در ایران همواره در دو وجه علما و حاکمان نمود پیدا کرده و این مسئله‌ای روشن و غیر قابل انکار حتی در دوران قبل از اسلام

بوده است. از آنجا که سلاطین ایران اجرای سیاست‌های آتی خود را معمولاً در قالب مذهب بر می‌گزیدند، ارتباط دولتمردان با علمای دین و مذهب امری بدیهی بوده است. به همین دلیل اسکندریبگ قراقویونلو نمی‌توانست از ارتباط با علمای مذهب دوازده امامی غافل بوده باشد.

۲. نمادسازی تشیع امامیه در دوره جهان‌شاه قراقویونلو

با سیاست‌های موثر شاهرخ مبنی بر ایجاد اختلاف و تفرقه افکنی میان فرزندان پرشمار قرايوسف، اسکندریبگ توسط برادرش جهان‌شاه کشته شد. جهان‌شاه قراقویونلو (۸۷۲-۸۴۱ ق) آخرین حکمران این سلسله بوده است. او با حمایت گوهرشاد همسر شاهرخ در تبریز تاج‌گذاری کرد. با وجود این، جهان‌شاه به شکلی نرم و آهسته، خود را از نفوذ تیموریان رهانید و به صورت مستقل در شمال غرب ایران فرمانروایی ده ساله خود را سپری کرد؛ به طوری که از او به عنوان مقتدرترین سلطان قراقویونلو نام برده می‌شود. جهان‌شاه برخلاف پدر و برادرش، با شدت و حدت بیشتری مناسبات فی ما بین خود و دیگر سلاطین هم عصرش را در قالب مذهب تشیع امامیه تعریف کرد. او لشکری به دفع آل مشعشع فرستاد، اما مدتی طول نکشید که لشکر را طلب کرده، از جنگ با آن‌ها منصرف ساخت. (طهرانی، ۱۳۵۶: ۲۶۲) به نظر می‌رسد جهان‌شاه در راستای حمایت از علمای تشیع خوزستان و نزدیکی اعتقادات او به مشعشعیان، علاقه چندانی به درگیری با آن‌ها نداشته است. فرمانروای قراقویونلو به نوعی با این اقدام خود، راه نفوذ و فتنه انگیزی دولت‌های مجاور را مسدود کرد؛ چراکه این برای اولین بار بود که پس از قرن‌های متمادی، دو حکومت منتسب به تشیع امامیه موفق شده بودند در ایران به قدرت سیاسی برسند. (میرجعفری، ۱۳۸۴: ۲۵۷) همچنین طبق برخی از روایت‌های تاریخی، جهان‌شاه از درگیری مستقیم با شیخ جنید صفوی که پیروانش در اردبیل حضور داشتند، اکراه داشت. برخورد مسامحه آمیز سلطان قراقویونلو با صفویان در این دوره نه به سبب ضعف آن‌ها بلکه به سبب مواضع مشترکشان در پیروی از تشیع امامیه بوده است. حقیقت امر آن است که برخورد جهان‌شاه با صفویان و تبعید شیخ جنید تنها به جهت حسادت او نسبت به قدرت یافتن رقیبی که تشابهات مذهبی با او داشته بوده است. (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۳: ۴۲۶) جهان‌شاه آنچنان به تشیع امامیه تأکید داشت که

در اشعارش از احساسات و اصطلاحات شیعی و دغدغه‌های صادقانه مذهبی سخن گفته است. (مزاوی، ۱۳۸۸: ۱۴۴) او دیوان اشعار فارسی خود را با ذکر نام ائمه شیعه (ع) آغاز کرده است. حاکمان شیعی برای استحکام روابط میان خود و عالمان شیعه و به دست آوردن حمایت‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی علما، قدم در جاده آینده پژوهی و افق نگری نهاده و با ابزار مختلف، زمینه‌های رشد و ارتقای آنان را فراهم می‌کردند. جهان‌شاه قراقویونلو نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. او برای تثبیت مبانی دینی و نشر عقاید مذهبی از ساخت یک مسجد در پایتختش تبریز رونمایی کرد. مسجد به عنوان پایگاه سیاسی و علمی در زمان قدیم نقش برجسته‌ای ایفا می‌کرد. یک فضای مذهبی که تجزیه و تحلیل‌های فقهی، حدیثی و علوم مختلف دینی را به نحو احسن به سرانجام می‌رساند. بنای مساجد نخستین موضوعی بود که همزمان با بنیاد شهر از جانب امرای اسلامی مورد توجه واقع می‌شد؛ این امر در نزد حکمرانان منتسب به تشیع اثنی‌اعشری تبلور بیشتری می‌یافت. جهان‌شاه بسترسازی برای رشد علمای امامیه را در قالب مسجدسازی آن هم با شکل و شمایل شیعی در نظر گرفت. او از فضای باز سیاسی و مذهبی که شرایط را برای رشد نحله‌های فکری شیعه فراهم می‌ساخت به بهترین شکل ممکن استفاده کرد و با اقداماتش باعث رشد و ترقی طلاب به عنوان علمای آینده مذهب تشیع شد. مسجد کبود (گوی مسجد) تبریز نخستین معبد مزین و منقشی است که نامی از خلفای سه‌گانه در آن نیامده و عبارت «علی ولی الله» و اسامی حسنین (ع) به اشکال مختلف زینت بخش دیوارها و طاق‌های آن گردیده است. (تراپی طباطبائی، ۱۳۴۹: ۴۳ و ۵۹) اقدام مهم جهان‌شاه در مسجد تبریز یک دلیل متقن داشته است. زمانی که به او خبر دادند شاه حسین ولی از شیوخ و عرفای تبریز در بحث علمی با اهل تسنن حقانیت ولایت امام اول شیعیان علی (ع) را به اثبات رسانده و آن‌ها را قانع کرده است، دستور داد تا جهت تیمن و تبرک مسجد، عبارت «علی ولی الله» را بنویسند و از ذکر خلفای راشدین پرهیز کنند. (حشری تبریزی، ۱۳۷۱: ۶۱) بنای مسجد کبود به همت «جان بیگم خاتون» همسر جهان‌شاه و از خاتون‌های صاحب نام این سلسله در سال ۸۷۰ ق انجام شد. (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۶۷؛ کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۳)

جهان‌شاه قراقویونلو در موقعیت‌های سیاسی، علمی و فرهنگی و نظامی، حمایت خود را از عالمان تشیع نشان می‌داد. او پس از مرگ برادرش اسپند میرزا که در بغداد مستقر بود، برای جلوگیری از فتح

احتمالی این شهر توسط حکومت‌های تیموری و آق‌قویونلو که اتحادی میان آن‌ها بر ضد جهان‌شاه شکل گرفته بود، به عراق عرب لشکرکشی کرد. این اقدام صرف نظر از اهمیت سیاسی و استراتژیک بغداد برای جهان‌شاه، ممکن است در راستای حفظ شهر حله مرکز اصلی عالمان تشیع بوده باشد. بنا به همین دلایل می‌توان حکومت قراقویونلو را از پیشگامان دولت صفوی در اعلام مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور دانست. همان دولتی که تشیع امامیه را محور جهان بینی خود در امر سیاست‌گذاری‌های کلان و تصمیم‌گیری‌های مهم جهانی قرار داده و سرنوشت بیش از دو سده حیات سیاسی ایران را رقم زد. نکته قابل توجه در مورد طرز تفکر و منش سیاسی سلسله قراقویونلو که تا حدودی به حل مسئله ابهام مذهبی و جهان بینی آنان کمک می‌کند، این است که یکی از بازماندگان این سلسله، به نام سلطان قلی از همدان (برادرزاده جهان‌شاه) راهی سرزمین هند شد و در آنجا حکومتی شیعی را بنیان نهاد که در هند به «قطب شاهیان گلکنده» مشهور است. (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۷۶؛ خافی‌خان نظام‌الملکی، ۱۹۲۵ م: ۲۶۸) بدین ترتیب قلمرو مذهب تشیع به وسیله یکی از بازماندگان قراقویونلو از ایران به سرزمین دیگری گسترش یافت. این نخستین اقدام یک شاهزاده ترکمن حاکم بر ایران در بسط قلمرو شیعه در خارج از مرزهای ایران و عراق می‌باشد. بنابراین عمق اثرگذاری جهان تشیع با نقد و تحلیل حکومت قراقویونلو نمود بیشتری می‌یابد.

۳. شکوفایی و ارتقای جایگاه عالمان تشیع در دوره اسپند میرزا

بدون هیچ‌گونه تردیدی، اسپند میرزا (۸۴۸-۸۳۶ ق) را باید مهم‌ترین حکمرانی از سلسله قراقویونلو دانست که در ارتقای جایگاه سیاسی، مذهبی و فرهنگی علمای شیعه و توسعه مفاهیم و بنیان‌های تشیع اثنی‌اعشری در ایران نقش کلیدی ایفا نمود. اسپند میرزا یکی دیگر از فرزندان قرايوسف، از جمله حاکمان محلی این حکومت قلمداد می‌شود که مدت دوازده سال به طور مستقل در بغداد و نواحی اطراف آن حکومت کرد. اسپند میرزا در قلمرو خود با قبول مذهب شیعه دوازده امامی، سیاست جدیدی در عراق عرب پایه‌گذاری کرد. مؤلف «مجالس المومنین» بر این باور است که دلیل گرایش اسپند میرزا به ترویج مذهب شیعه، غلبه و برتری علمی عالمان شیعی حله بر عالمان اهل تسنن در بغداد بوده است. شوشتری در این زمینه می‌نویسد:

«ابوالعباس احمد بن فهد حلی پیوسته با اهل سنت به مناظره می‌پرداخت. در دوران حکمرانی اسپند میرزای ترکمان (که والی عراق عرب بود)، وی متصدی اثبات مذهب خود و ابطال مذهب اهل خلاف (اهل سنت) شد و در مجلس میرزا اسپند، بر تمامی علمای مخالف که در عراق عرب حضور داشتند، پیروز گردید. این رویداد سبب شد میرزا اسپند تغییر مذهب دهد و سکه و خطبه را به نام حضرات ائمه اثنی عشر (علیهم‌السلام) قرار دهد.» (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۸۰)

این اقدام اسپند میرزا در ظاهر، حاصل غلبه علمی - مذهبی از یک مناظره بود؛ ولی در باطن می‌بایست ریشه در تمایلات درونی او برای بسترسازی مناسب عالمان شیعه در مناطق خارج از تسلط خود به ویژه شهرهای ایران داشته باشد. خصوصاً اینکه تمایلات شیعی در سرزمین خوزستان همزمان با حکومت اسپند میرزا به اوج خود رسید و دولت تازه نفس مشعشعیان در آن به وجود آمده بود. (پژوهش دانشگاه کمبریج، ۱۳۷۹: ۳۰۲) شاید بیم آن می‌رفت که آل مشعشع، حکومت اسپند میرزا را با چالش‌های سیاسی و فرهنگی مهمی مواجه کند. بنابراین میان رسمی کردن مذهب تشیع در بغداد با ارتقای علمای امامیه در حله رابطه دو سویه‌ای وجود داشته است. او با حمایت از ابن فهد حلی تلاش خود را برای ارتقای همه جانبه عالمان شیعه در بغداد به دو شکل ذیل نشان داد:

-رسمی کردن مذهب تشیع اثنی عشری به عنوان حربه‌ای مهم برای توسعه علوم دینی
-حمایت گسترده معنوی، مالی و نظامی از علمای شیعه در عراق عرب به منظور پرورش عالمان جدید و طلاب دینی و دفاع از آن‌ها در برابر بدعت و خطری که تهدیدشان می‌کرد.

حمایت از علما در جهت رشد و توسعه مفاهیم و مبانی فرهنگی و تأسیس حوزه علمیه عراق در قالب مذهب رسمی، تحت نفوذ ابن فهد حلی صورت گرفت. شیخ جمال الدین ابوالعباس احمد بن شمس الدین محمد بن فهد حلی الاسدی (افندی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱: ۶۴)، معروف به ابن فهد حلی از اکابر و اعیان علمای امامیه قرن نهم هجری می‌باشد. وی فقیهی فاضل، محدثی کامل و عابدی زاهد بود. او حاوی فروع و اصول دین، جامع معقول و منقول در فضائل و کمالات در ظاهر و باطن و فضل و عرفان بود. (مدرسی خیابانی تبریزی، ۱۳۹۲، ج ۸: ۱۴۵) ابن فهد حلی از جمله علمای تاثیرگذار بر زمانه و جریانات پس از خود می‌باشد. از این جهت، می‌توان او را در مقایسه با سید حیدر آملی دانست؛ به دلیل آنکه جنبش مذهبی بعد از سید حیدر آملی، جنبش متصوفه و امامیه با نام حروفیان بود و در

مقابل، جنبش فکری - مذهبی پس از ابن فهد حلی جنبش آل مشعشع بوده است. شکل‌گیری این رویکرد در جامعه شیعی و متصوفه شیعی مآب، تا حدود زیادی به رشد جایگاه اجتماعی، علمی و کلامی علمای شیعه کمک کرد و این همان جریان بود که از سوی حکومت قراقویونلو حمایت می‌شد. جریان فکری ابن فهد حلی و سید حیدر آملی در نهایت باعث شکل‌گیری دولت صفوی توسط شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۷ هـ.ق شد.

برخی از مورخان و محدثان شیعه، شخصیت ابن فهد حلی را با علامه حلی (۷۲۶-۶۴۸ ق) فقیه و متکلم شیعه در دوره ایلخانان، هم‌تراز دانسته‌اند. از این جهت که فعالیت این دو عالم برجسته، از یک طرف، گسترش حیات سیاسی و اجتماعی شیعیان را به دنبال داشت و از طرف دیگر منجر به رشد تألیف کتب و رسالات مختلف در علوم توسط دانشمندان و عالمان شیعه در قرون بعد شد. ضمن آنکه هر دو فقیه، نقش مشابهی در شیعه کردن حاکمان زمانه خود داشتند. نقش علامه حلی در برگزیدن تشیع توسط سلطان محمد خداپنده الجایتو قابل کتمان نیست. (حلی، ۱۳۹۲: ۶۲) همان‌گونه که اسپند میرزا با تلاش ابن فهد عاملی به شیعه امامیه گردید.

در دوره ترکمانان قراقویونلو آثار فقهی و اصولی زیادی به اشاره اسپند میرزا تألیف و تدوین گردید. سند این گفته را می‌توان در آثار ابن فهد حلی به عنوان یکی از علمای برجسته این عصر ملاحظه کرد. بدیهی است که این تعداد از آثار علمی، فقهی و اصولی نمی‌توانسته بدون حمایت‌های مالی و سیاسی اسپند میرزا صورت گرفته باشد. مهم‌ترین اثر ابن فهد، احتمالاً کتاب استخراج الحوادث است که متضمن پیشگویی‌هایی براساس سخن حضرت امیر (ع) بوده است. او این اثر را پس از دیدارش با امام اول شیعیان در عالم خواب تألیف نمود. (قمی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۸) در اینجا به ذکر آثار دیگر ابن فهد حلی پرداخته می‌شود تا موضوع ارتقای جایگاه علمی و مذهبی عالمان شیعه در این زمان نمایان شود. التحصین فی الصفات العارفين، عده الداعی و نجاح الساعی، الفصول فی دعوات اعقاب الفرائض، المقتصر فی شرح المختصر، المذهب البارع فی شرح مختصر النافع، جوابات مسائل البحرانیة، جوابات مسائل الشامیه الاولی، رساله وجیزه، غایه الایجاز، کفایه المحتاج، اللمعه الجلیه فی معرفت النیه، المحرر فی الفتوی، مصباح المبتدی و هدایه المقتدی، الموجز الحاوی لتحریر الفتاوی و نبذه عن فی ما لا بد منه من آداب الداعی. همچنین نسخ خطی ابن فهد شامل الادعیه و الختوم، التواریخ

الشرعیه، الخلل فی الصلاه، تعیین ساعات لیل، فقه الصلاه، اللوامع، نیات العبادات و الهدیه بوده است.

حکومت اسپند میرزا اگرچه عمر کوتاهی داشت، اما خدمات مهمی در زمینه‌های علمی و فرهنگی به علمای دین ارائه کرد و باعث پیشرفت و تعالی آنان در سطوح مذهبی، سیاسی و مالی گردید. شکوفایی جایگاه عالمان شیعه و بسترسازی حکومت قراقویونلو به ویژه در دوره اسپند میرزا تا بدانجا پیش رفت که حکومتی قابل به نوعی از تشیع دوازده امامی در سرزمین خوزستان به وجود بیاید. قیام سید محمد فلاح رهبر آل مشعشع از همین زمان آغاز شد. حکم تکفیر سید محمد فلاح توسط ابن فهد حلی اما سبب لشکرکشی اسپند میرزا به منطقه خوزستان شد. (پژوهش دانشگاه کمبریج، ۱۳۷۹: ۳۱۰) علت این جنگ را باید در تضاد اندیشه‌های علمای بانفوذ، درون حکومت قراقویونلو و مشعشعیان جست‌وجو کرد. حکومت قراقویونلو به ویژه حکمرانی اسپند میرزا در بغداد تأثیر شگرفی در ابعاد مختلف بر جای نهاد؛ به نحوی که سخن عالمان تشیع را در سطوح سیاسی، مذهبی و فرهنگی دولت‌های پس از خود نافذ کرد.

۴. تأثیرگذاری حکومت آل مشعشع در دوره سید محمد فلاح

عمق اثرگذاری ترکمانان قراقویونلو را در حکومت مشعشعیان می‌توان پیدا کرد. در پی حمایت‌های همه جانبه قراقویونلوها با محوریت ارتقای جایگاه علمای امامیه، یکی از بزرگان مذهب تشیع به جنوب غربی ایران رفت و در سرزمین خوزستان، سلسله مشعشعیان (۱۱۳۵-۸۴۵ ق) را تأسیس کرد. خوزستان از معدود سرزمین‌هایی است که در اواخر دوره مغولان از حاکمان حامی علما، فضلا، ادیبان و شعرای عرب برخوردار بوده است. بنیان‌گذار حکومت مشعشعیان سید محمد فلاح از شاگردان ابن فهد حلی و داماد او بود. سید محمد در شهر واسط به دنیا آمد و نسب از امام هفتم شیعیان داشت. (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۹۵؛ عاملی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱۰: ۳۸) او پس از کسب علوم مذهبی و دینی از محضر شیخ حلی خارج گشت و تصمیم گرفت به تبلیغ دین در اطراف و اکناف عراق بپردازد. انگیزه سید محمد فلاح برای این اقداماتش، از مسیر حشر و نشر سیاسی و مذهبی با دستگاه اسپند میرزا می‌گذرد. او با مرکزیت هویزه، مدارس جدید، حوزه‌های علمیه، مجامع علمی و پژوهشی و دارالحکمه

تأسیس کرد. همچنین با ساخت کاروان سراها، بازارها، مساجد، گرمابه‌ها، عمارت‌های عالی و کتابخانه‌ها به رونق و اعتبار هویره افزود. (عزیزی بنی طرفی، ۱۳۷۲: ۱۲۳)

در خصوص شخصیت سید محمد فلاح و نظراتش پیرامون دیدگاه او نسبت به دین و مذهب آراء مختلفی میان پژوهشگران و مورخان دیده می‌شود. به عنوان نمونه، کسروی در تاریخ پانصد ساله خوزستان، سید محمد فلاح را یک شیاد و تبه‌کار دینی دانسته و او را از بزرگترین بدعت‌گذاران تاریخ تشیع بر می‌شمارد. او حتی اذعان کرده است «اگر کسانی دقت در گفتار وی کنند خواهند دید که تمام شوربختی و کشمکش‌های سیاسی و مذهبی که سرتاسر ایران را در تاریخ بعد از وی فراگرفته در واقع میوه بدعت سید محمد بود». (کسروی، ۱۳۱۲: ۶ و ۱۰) یا برخی دیگر سید محمد را به جادوگری متهم کرده و معتقد هستند که برای نفوذ کلام و کادرسازی میان مردم فقیر و ستم دیده ایران تصمیم گرفت حتی خودش را مهدی موعود (عج) معرفی کند. فلاح در کتاب کلام المهدی که آن را در سال ۸۶۵ ق نوشته، بارها ادعای نیابت حجت بن الحسن را مطرح کرده است. او هدف از بنیان نهادن حکومت آل مشعشع را این چنین بیان کرده است: «زمین گنجایش او را نمی‌کرد. ناگزیر به کوهستان روانه شد تا قیام خود را در آنجا سازماندهی کند، اما دستگاه ظلم وجود وی را در کوهستان رها نکرد. او به عراق رفته در آنجا مغول در پی جست‌وجوی او در آمدند هر آنکه دوست بود دشمن گردید و از دست دشمنان آن کشید که به شمار نیاید». (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۰۰-۳۹۵)

سید محمد فلاح در سال ۸۴۴ هـ. ق به همراه فرزندش مولی علی با عشایر شیعه منطقه جنوب ایران و عراق که پشتوانه اصلی حکومت مشعشعیان به شمار می‌آمدند، پس از چند درگیری، موفق به تصرف شهر هویره و واسط شد. قبایلی همچون بنی سلامه، بنی کعب، بین طرف و بنی طی از نخستین گروه‌هایی بودند که به محمد بن فلاح پیوستند. با تسلط مشعشعیان بر هویره، به ویژه از سال ۸۵۸ تا ۸۶۱ هـ. ق زعامت آنان به مولی علی فرزند سید محمد سپرده شد. او موفق شد شهرهای مهمی مانند نجف، کربلا و حله را تصرف کند. با وجود این، بعید نیست که مرگ مولی علی به دستور جهان‌شاه قراقویونلو، به اشاره پدرش اتفاق افتاده باشد (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۰۰)، زیرا او علاوه بر رهبری آل مشعشع و کنار گذاشتن سید محمد از مسند امور دینی، افراد زیادی از اطرافیان و هواخواهان پدرش را از میان برده بود. با مرگ مولی علی، مجدداً سید محمد فلاح رهبری و زعامت مشعشعیان را به دست

گرفت. مقارن این ایام، شاه اسماعیل اول با تشکیل دولت صفوی در تبریز فصل تازه‌ای از تاریخ ایران را رقم زد. تضاد منافع میان آل مشعشع در خوزستان و شاه اسماعیل گریز ناپذیر بود. اگرچه حمله شاه صفوی به خوزستان احتمالاً در زمان سلطان فیاض، استقلال مشعشعیان را از بین برد، اما امیران این سلسله در دوره‌های بعد به حیات علمی و مذهبی خود ادامه دادند.

۵. ارتقای عالمان شیعه در دوره سید محسن مشعشعی

عصر طلایی شیعه در این حکومت زمانی پدید آمد که با فوت سید محمد فلاح، پسرش سید محسن (۹۰۵-۸۷۰ ه.ق) زمام امور آل مشعشع را به دست گرفت. ثبات و تثبیت حکومت مشعشعیان در این برهه، بیش از هر عامل دیگر، مرهون سیاست‌های سید محسن در زمینه اسکان جمعیت و تقویت توان دفاعی بود. از شاخص‌ترین اقدامات وی در این راستا، می‌توان به احداث و بازسازی قلعه‌ها و حصارهای شهری اشاره کرد. بر اساس شواهد تاریخی، سید محسن مشعشعی را نخستین کسی می‌دانند که در هویزه، بناهایی را که پیشتر از نی ساخته می‌شد، با مصالحی پایدار مانند آجر و خشت بنا نهاد. قلعه هویزه، که با نام‌های «المزینه» یا «محسنیه» شناخته می‌شود، نماد اولین تلاش‌های او در این عرصه به شمار می‌رود (شبر، ۱۳۸۵ ق: ۱۸۴). افزون بر این، گزارش‌های پژوهشی حاکی از آن است که اندیشه‌ها و کنش‌های سید محسن مشعشعی، بر پایه باورهای شیعه اثنی‌عشری استوار بوده که این خود از مختصات بارز دوران فرمانروایی او محسوب می‌شود. در این زمان بود که علمای دین از سرتاسر بلاد اسلامی به هویزه مرکز حکومت مشعشعی سرازیر شدند. یکی از مهم‌ترین وقایع پیرامون ارتقای عالمان شیعه در دوره سید محسن، بازگشت سید نورالله مرعشی به شوشتر بوده است. مرعشی شوشتری به دلیل ظهور محمد بن فلاح مدت‌های زیادی در شیراز سکنا گزیده بود. او با دعوت سید محسن به شوشتر مراجعت کرد و فعالیت مذهبی و فرهنگی خود را در راستای تبلیغ تشیع امامی از سر گرفت. سید محسن برای تکریم جایگاه علمای دین و اهمیت دادن به این مقام، سه تن از نزدیکان سید نورالله شوشتری را در راس امور مملکتی قرار داد و به هر یک پستی مهم واگذار نمود. این اقدام سید محسن را باید تلاش برای رشد علما و اندیشه‌های مذهبی آنان تلقی کرد. (رنجبر، ۱۳۸۲: ۱۸۴-۱۸۳)

ارتقای سیاسی و علمی علمای تشیع در دوره سید محسن احتمالاً به شخصیت او باز می‌گردد. او فردی علم دوست و عالم پرور بوده است. به همین دلیل بسیاری از فقیهان و متکلمان دین، آثار تالیفی خود را به سید محسن مشعشعی تقدیم می‌کردند. همچنین اهتمام او به رشد علوم دینی باعث شد تا کتب فراوانی در زمینه تقویت بنیان‌های تشیع امامیه توسط علمای اسلام تالیف گردد. برای مثال می‌توان به کتاب شرح تجرید با ذیل مکتوب و اضافه شده مولانا شمس الدین محمد استرآبادی اشاره کرد که برای سید محسن به ارمغان فرستاده شد. (موسوی مشعشعی، ش ۱۵۱۳: ۱۲)

۶. ارتباط عالمان تشیع و مشعشعیان

دوره طلایی و شکوفایی فرهنگی - مذهبی عالمان شیعه که از زمان سید محسن مشعشعی آغاز گشته بود، در زمان حکمرانی سید مبارک ادامه پیدا کرد. سید مبارک همزمان با سلطنت شاه عباس اول صفوی در خوزستان به قدرت رسید. او پاره‌ای از علمای شیعه از جمله شیخ عبداللطیف جامعی را به هویزه فراخواند و به یاری آن‌ها مذهب شیعه دوازده امامی را جایگزین مهدی‌گری مشعشعی نمود. (افندی تبریزی، ۱۴۰۱ ق، ج ۲: ۲۴۲) سید مطلب پسر سید بدران نیز از علمای بزرگ شیعه امامیه، دانشمندی بزرگ و عالم پرور به حساب می‌آمد. چنان‌که تأسیس حوزه علمیه هویزه به امر سید مطلب انجام شد. گفته می‌شود او به تقلید از حوزه علمیه حله در دوره اسپند میرزا به این امر مبادرت ورزید. در حوزه علمیه هویزه، طلاب به فراگیری علوم و فنون مذهبی مشغول بودند و رشد جایگاه علمای امامیه در دوره صفوی اتفاق ویژه‌ای بود که در نتیجه حمایت‌های مادی و معنوی سید مطلب مشعشعی در خوزستان رخ داد. سید مطلب در این مسیر، عقاید خرافی و غالیانه، آموزه‌های خلاف موازین دین اسلام و بدعت‌های زشتی را که بر مردم منطقه حاکم شده بود، ریشه‌کن کرد. سید خلف و سید راشد از شاگردان دیگر حوزه علمیه هویزه بودند.

منزلت علمی سید خلف مشعشعی عمدتاً مرهون تألیف آثاری برجسته‌ای است که از او به یادگار مانده است. کتاب‌هایی همچون «سیف الشیعه»، «برهان الشیعه» (در موضوع امامت)، «الحججه البالغه» (در کلام و اثبات امامت)، «فخر الشیعه» (در فضایل امام علی علیه السلام)، «المنهج القوم» و «حق الیقین»، گواهی بر گستردگی دامنه دانش او هستند. حوزه تألیفات وی علوم متنوعی از صرف و نحو،

کلام و منطق تا شعر عربی و فارسی و نیز فضائل معصومین علیهم السلام را در بر می‌گرفت. در فاصله سده‌های دهم تا دوازدهم هجری، شمار قابل توجهی از عالمان مناطق هویزه، جزایر و شوشتر، برای تحصیل علوم دینی به مراکزی چون اصفهان یا عتبات عزیمت کردند و از ایشان آثار علمی فراوانی بر جای مانده است. از جمله این چهره‌ها، سید علی مشعشعی (۱۰۸۸ - ۱۰۶۰ ق) بود که از شاگردان شهید ثانی به شمار می‌رفت. پسرش، شیخ عبدالمطلب، نیز چنان در علوم مختلف تبحر داشت که به «ابی جامع» ملقب شد (کسروی، ۱۳۱۲: ۳۴۹). سید علی با تألیف کتاب «ریاض العلماء»، نقش مهمی در جریان‌سازی فکری تشیع امامیه ایفا نمود. یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های وابسته به دستگاه وی، سید نعمت‌الله جزائری (درگذشته ۱۱۱۲ ق) - نیای سادات جزایری خوزستان - بود که از شاگردان علامه مجلسی (درگذشته ۱۱۱۰ ق) و از همکاران او در تدوین دائرةالمعارف عظیم «بحار الانوار» محسوب می‌شد (افندی تبریزی، ۱۴۰۱ ق، ج ۴: ۷۷-۷۸؛ جعفریان، ۱۳۸۹: ۲۸۱). جزائری خود صاحب اثر ارزشمند «الانوار النعمانیة» بود (کسروی، ۱۳۱۲: ۷۲). وی در این کتاب، با اشاره به دوستی خود با سید علی، او را در زمینه‌های علم، ادب، عبادت، خدمت‌رسانی به مردم و شعر، فردی سرآمد توصیف کرده است (شیر، ۱۳۸۵ ق: ۱۳۷). همچنین، علامه محمد بن حسن حر عاملی (درگذشته ۱۰۷۲ ق)، سید علی را عالمی فاضل، شاعر و ادیبی گران‌قدر دانسته که آثاری ارزشمند در موضوعاتی مانند اصول امامت تألیف نموده است. از جمله تألیفات مهم سید علی در دوره ناآرامی‌های سیاسی و نظامی عصر صفوی می‌توان به این آثار اشاره کرد: «الانوار المبین» (در چهار جلد، پیرامون حدیث)، «خیرالمقال فی مدح النبی و الآل» (در چهار جلد)، «نکت البیان» (در سه فصل با فصل اول در تفسیر قرآن)، «منتخب التفاسیر» (در تفسیر قرآن)، «خیر الجلیس و نعم الانیس»، «دیوان شعر المقاصد» و نیز رساله‌ای که برای شیخ علی، فرزند شهید ثانی، نگاشته است.

از دیگر حکمرانان محلی خوزستان، سید عبدالله مشعشعی بود که خود اهل قلم به شمار می‌رفت و همواره علما و دانشمندان شیعه را مورد تکریم قرار می‌داد و از ایشان در راستای تعالی و رشد اندیشه‌های مذهبی حمایت می‌کرد؛ هرچند که در این عرصه به پایه سید علی و سید خلف نمی‌رسید. روند نهادینه‌سازی علوم دینی در حوزه علمیه هویزه تداوم یافت، حتی در دورانی که امرای آل مشعشع استقلال سیاسی خود را از دست داده بودند. این تأثیرگذاری علمی و فرهنگی تا بدان حد چشمگیر بود که احمد

کسروی بر این باور است که شاهان صفوی متأثر از این گونه تفکر دینی - که خاستگاه آن حکومت مشعشعی بود - قرار گرفتند. وی هر جریان مذهبی پس از این حکومت در ایران را برآمده از تأثیرپذیری از اندیشه‌ها و جهان‌بینی آل مشعشع می‌داند (کسروی، ۱۳۱۲: ۳۲-۳۴). واپسین چهره شاخص از دوران شکوفایی علمی در خاندان مشعشع، سید علی بن سید عبدالله است که رویدادهای تاریخ این خاندان را از تأسیس حکومت به دست سید محمد فلاح تا سال ۱۱۲۸ ق به رشته تحریر درآورد.

مشعشعیان به عنوان خاندان ذی نفوذ در منطقه خوزستان مورد توجه حکومت‌های پس از صفویه بودند. حکومت‌های مرکزی به علت بافت منطقه و جایگاه و قدرت آن‌ها، در پی حذف همیشگی آل مشعشع نبودند. در اواخر عصر قاجار شیخ خزعل برای تحکیم موقعیت خود، با دختری از خاندان مشعشعی ازدواج کرد و از نیروی این خاندان در جهت مقابله با حکومت استفاده کرد. حکومت مرکزی در مقابل این شورش واکنش نشان داد و در سال ۱۳۰۳ ش، رضاشاه، شیخ خزعل را سرکوب و دوره پیشوایی او بر خاندان مشعشعی به پایان رسید. بدین ترتیب آل مشعشع با بهره‌مندی از اندیشه مهدویت، «دولت مهدیه» را بنیان نهادند (سید علی خان، ۱۲۶) و متناسب با شرایط زمانی، اندیشه‌های خود را تعدیل و در بخش وسیعی از مناطق خوزستان و عراق تا مدت‌ها به حکومت پرداختند.

نتیجه‌گیری

بر پایه یافته‌های این پژوهش، حکومت‌های قراقویونلو و مشعشعیان، به‌رغم محدودیت‌های سیاسی و جغرافیایی، نقش مؤثری در ارتقای جایگاه عالمان امامیه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی ایفا نمودند. اقدامات این دو سلسله را می‌توان در چارچوب یک گذار تمدنی تفسیر کرد که طی آن، کادر علمی و فکری شیعه برای تبدیل شدن به نهادی اجتماعی و حکومتی آماده شد.

در دوره قراقویونلو، تلاش‌ها برای ترویج تشیع و تقویت عالمان شیعه در سه مرحله قابل مشاهده است. در مرحله نخست، قرایوسف با تکریم مذهب تشیع و علمای آن، زمینه‌های اولیه را فراهم آورد. در مرحله دوم، اسکندر بیگ و جهان‌شاه با ایجاد فضای باز مذهبی، خروج از خفقان و ارتقای منزلت اجتماعی علما، گام‌های بلندی در جهت نهادسازی برداشتند. اقداماتی همچون ساخت مساجد با نام

ائمه اثنی‌عشر، تألیف کتب دینی و ضرب سکه‌های منقوش به نام ائمه (ع)، نه تنها در راستای حساسیت‌زدایی مذهبی، بلکه به مثابه نمادهای هویت‌ساز یک تمدن در حال ظهور عمل کرد. در مرحله سوم، اسپند میرزا در بغداد با تأسیس مدارس جدید و توسعه حوزه علمیه حله تحت زعامت ابن فهد حلّی، زیرساخت علمی و آموزشی لازم برای رشد عالمان شیعه را پدید آورد. این اقدامات، نه تنها موجب نفوذ تشیع به مناطق جنوبی ایران شد، بلکه خوزستان را به کانونی برای تحولات بعدی تبدیل کرد. در ادامه این روند، آل مشعشع به عنوان حرکت مذهبی-سیاسی، در بستر جغرافیایی و فرهنگی جنوب بین‌النهرین و خوزستان ظهور یافت. اگرچه این خاندان در ابتدا با نوعی تشیع غالبانه شناخته می‌شد، اما به تدریج و به ویژه در دوره‌هایی مانند حکمرانی سید محسن و سید مطلب مشعشعی، به تقویت فضای علمی و فرهنگی منطقه پرداخت. تأسیس حوزه علمیه شوشتر و تألیف آثار متعدد در زمینه‌های حدیث، فقه و تفسیر، گواهی بر این تحول است.

در نگاهی کلان، این دو حکومت محلی، اگرچه خود به استقرار سیاسی پایدار دست نیافتند، اما به مثابه پل‌گذار تمدنی میان دوره پیشاصفوی و عصر طلایی تشیع ایرانی عمل کردند. حتی پس از سقوط سیاسی مشعشعیان به دست شاه اسماعیل صفوی، میراث فکری و علمی آنان به جریان اصلی تشیع امامیه پیوست و زمینه را برای تثبیت حکومت مذهبی صفویه و تشکیل یک امپراتوری شیعی فراهم نمود. به این ترتیب، نقش تاریخی قراقویونلو و مشعشعیان نه در تأسیس یک تمدن پایدار، که در بسترسازی و زدودن موانع برای ظهور آن تمدن در عصر صفوی تبلور یافت.

کتابنامه

احمدی مقدم، سید محمد و امیرعباس مهدوی فرد (تابستان ۱۴۰۰). «رویکرد دولت مشعشعیان در توسعه علوم دینی و آموزشی»، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، س ۷، ش ۲، صص ۷۷-۸۴.

احمدی، نزهت و اعظم جوزانی (زمستان ۱۳۹۰). «مشروعیت سیاسی در رویکردهای مذهبی حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو»، فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهراء، س ۲۱، ش ۹۷، صص ۱-۲۱.

- افندی تبریزی، عبدالله بن عیسی بیگ (۱۴۰۱ ق). ریاض العلماء و حیاض الفضلا، ۷ ج، تحقیق احمد حسینی اشکوری، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
- باسورث، کلیفورد ادوموند (۱۳۸۱). سلسله‌های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- پژوهش دانشگاه کمبریج (۱۳۷۹). تاریخ ایران دوره تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی.
- تراپی طباطبایی، سید جمال (۱۳۴۹). نقش‌ها و نگاشته‌های مسجد کبود تبریز، تبریز، موزه آذربایجان شرقی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹). اطلس شیعه، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چ ۳.
- جعفریان، رسول (۱۴۰۰). مهدیان دروغین، تهران، علم.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۱۷). ذیل جامع التواریخ، ترجمه خانابانایانی، تهران، شرکت تضامنی علمی.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۸۰). زبده التواریخ، تصحیح کمال حاج سید جوادی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حشری تبریزی، محمد امین (۱۳۷۱). روضه اطهار: مزارات متبرکه و محلات قدیمی تبریز و توابع، تصحیح عزیز دولت آبادی، تهران، ستوده.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۹۲). تاریخ علم کلام در ایران و جهان اسلام، تهران، اساطیر، چ ۴.
- خافی خان نظام‌الملکی، محمد هاشم (۱۹۲۵ م). منتخب اللباب در احوال سلاطین ممالک دکن و گجرات و خاندیش، تصحیح سر ولزلی هیگ، کلکته، مطبع مرسلین بایست.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی (۱۳۵۳). حیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۳، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی خیام، چ ۲.
- رنجبر، محمد علی (۱۳۸۲). مشعشعیان: ماهیت فکری- اجتماعی و فرآیند تحولات تاریخی، تهران، آگاه.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۷۰). احسن التواریخ، ج ۱، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، بابک.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). مطلع السعدین و مجمع البحرین، ج ۲، ترجمه عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سید علی خان، تاریخ مشعشعیان، نسخه خطی کتابخانه سپه سالار.
- شاهمادی، سید مسعود و اصغر منتظرالقائم (بهار ۱۳۹۲). «تشیع قراقویونلوها (۷۸۰-۸۷۲ هـ. ق.)»، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، س ۵، ش ۱۷، صص ۴۹-۷۲.

- شبر، جاسم حسن (۱۳۸۵ ق). تاریخ مشعشعیان، تهران، چاپخانه الآداب.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۳۷۷). مجالس المومنین، ۲ ج، تصحیح احمد عبدمنافی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- طهرانی، ابوبکر (۱۳۵۶). کتاب دیاربکر، به تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومه، تهران، کتابخانه طهوری.
- عاملی، محسن امین (۱۴۰۳ ق). اعیان الشیعه، بیروت، دار التعاریف للمطبوعات.
- عزیزی بنی‌طرفی، یوسف (۱۳۷۲). قبایل و عشایر عرب خوزستان، با نگاهی به آیین فصل، شعر، هنر و تاریخ، تهران، ناشر مولف.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۶۸). الکنی و القاب، با مقدمه محمدهادی امینی، تهران، مکتبه الصدر، چ ۵.
- کربلایی تبریزی، حسین (۱۳۸۳). روضات الجنان و جنات الجنان، به اهتمام محمدامین سلطان‌القزائی، تبریز، ستوده.
- کسروی، احمد (۱۳۱۲). تاریخ پانصد ساله خوزستان، بی‌جا، بی‌نا.
- مدرسی خیابانی تبریزی، محمد علی (۱۳۹۲). ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب، ج ۸، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
- مزاوی، میشل م، (۱۳۸۸). پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، چ ۲.
- موسوی مشعشعی، سید علی خان، بی‌تا، «الرحله المکیه»، کتابخانه سپهسالار (مطهری فعلی)، ش ۱۵۱۳.
- میرجعفری، حسین (۱۳۸۴). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران، سمت، چ ۵.
- هندوشاه استرآبادی، محمداقاسم (۱۳۸۷). گلشن ابراهیمی (تاریخ فرشته)، ج ۱، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.